

مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات هوش مصنوعی؛ رویکردی در حقوق

خصوصی

بهروز مهدی زاده شخلمو گروه حقوق، واحد تسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، تسوج، ایران.

دکتر حسن خانی گروه حقوق، واحد پیام نور، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

تحول فناوری‌های نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی، ساختارهای سنتی حقوقی را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. در بسیاری از کاربردهای نوین، تصمیم‌گیری به فناوری‌های هوشمند سپرده می‌شود، بی‌آن‌که اراده انسانی در فرآیند نهایی مداخله مؤثر داشته باشد. این تحول، مسئولیت ناشی از خسارات احتمالی تصمیمات هوش مصنوعی را با ابهاماتی در نسبت دادن فعل زیان‌بار به عامل انسانی مواجه ساخته است. در حقوق خصوصی ایران، مسئولیت مدنی بر مبنای ارکان تقصیر، ضرر و رابطه سببیت استوار است. با ورود هوش مصنوعی به حوزه‌های تصمیم‌گیری، این پرسش بنیادین مطرح می‌شود که در صورت ورود خسارت، مسئولیت متوجه چه کسی است؟ آیا قواعد سنتی کفایت دارد یا تدوین نهادها و سازوکارهای نوین ضروری است؟ این پژوهش با تکیه بر مبانی نظری حقوق مسئولیت مدنی و بررسی ظرفیت‌های حقوق ایران، در پی تحلیل چالش‌های پیش‌رو و ارائه راهکارهای اصلاحی و تبیینی در جهت انطباق نظام حقوقی با واقعیت‌های فناوری‌های هوشمند است.

رهیافت این تحقیق توصیفی – تحلیلی است و تلاش دارد با تمرکز بر تبیین مفاهیم و مبانی نظری، تحلیل ارکان تحقق مسئولیت، و نقد ساختارهای موجود، راه‌حلی برای مواجهه با پدیده مسئولیت ناشی از تصمیمات هوش مصنوعی در چارچوب حقوق خصوصی ایران ارائه دهد.

روش تحقیق، کتابخانه‌ای و مبتنی بر تحلیل منابع اسنادی است. از قوانین داخلی، نظریات حقوقدانان، منابع فقهی و مقایسه تطبیقی با نظام‌های حقوقی دیگر برای تحلیل موضوع استفاده شده و تلاش شده است تا با اتکا به مبانی فقهی و حقوقی، پاسخ‌های علمی و کاربردی ارائه گردد.

مسئولیت مدنی، هوش مصنوعی، تصمیمات خودمختار، رابطه سببیت، تقصیر، خسارت، حقوق

واژگان کلیدی: خصوصی، قواعد جبران.

Civil liability arising from artificial intelligence decisions; an approach in private law

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2025, Sixth year, Issue 24

Pages 1-10

Behrouz Mehdizadeh Shokhmloo Department of Law, Tasuj Branch, Islamic Azad University, Tasuj, Iran.

Dr. Hassan Khani Department of Law, Payam Noor Branch, Payam Noor University, Tehran, Iran

The evolution of new technologies, especially artificial intelligence, has presented traditional legal structures with serious challenges. In many new applications, decision-making is entrusted to smart technologies, without human will having an effective intervention in the final process. This evolution has presented liability for potential damages resulting from artificial intelligence decisions with ambiguities in attributing the harmful act to the human agent. In Iranian private law, civil liability is based on the pillars of fault, loss, and causality. With the entry of artificial intelligence into decision-making areas, this fundamental question arises: who is liable in the event of damage? Are traditional rules sufficient or is the development of new institutions and mechanisms necessary? This research, relying on the theoretical foundations of civil liability law and examining the capacities of Iranian law, seeks to analyze the challenges ahead and provide corrective and explanatory solutions to adapt the legal system to the realities of smart technologies.

The approach of this research is descriptive-analytical and attempts to provide a solution to confront the phenomenon of liability arising from decisions of artificial intelligence within the framework of Iranian private law by focusing on explaining the theoretical concepts and foundations, analyzing the elements of responsibility realization, and criticizing the existing structures.

The research method is library and based on the analysis of documentary sources. Domestic laws, legal opinions, jurisprudential sources, and comparative comparison with other legal systems were used to analyze the subject and an attempt was made to provide scientific and practical answers based on jurisprudential and legal foundations.

Keywords: Civil liability, artificial intelligence, autonomous decisions, causality, fault, damages, private rights, compensation rules.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، فناوری‌های نوین با سرعتی بی‌سابقه در حال پیشرفت و نفوذ به تمامی جنبه‌های زندگی انسان‌ها هستند. یکی از مهم‌ترین این فناوری‌ها، سامانه‌های هوشمند هستند که توانایی اتخاذ تصمیمات پیچیده و اجرای آن‌ها را بدون دخالت مستقیم انسان دارند. این روند نوآورانه باعث شده تا در حوزه حقوق خصوصی، به ویژه مسئولیت مدنی، پرسش‌های تازه و مهمی مطرح شود. از آنجا که مسئولیت مدنی مبتنی بر انتساب خطا و رابطه سببیت میان فعل زیان‌بار و زیان‌دیده است، وجود تصمیمات خودکار و مستقل، تبیین این ارکان را با چالش‌های تازه‌ای روبه‌رو کرده است. با توجه به پیچیدگی‌های این فناوری و گستردگی کاربرد آن در صنایع و خدمات مختلف، لزوم بازنگری در قواعد سنتی مسئولیت مدنی بیش از پیش احساس می‌شود. در این راستا، بررسی مبانی نظری مسئولیت ناشی از تصمیمات سامانه‌های هوشمند، تحلیل دقیق ارکان مسئولیت و شناسایی خلأهای قانونی موجود در نظام حقوقی ایران ضروری است. هدف این تحقیق، ارائه راهکارهای حقوقی و عملیاتی است که بتواند پاسخگوی نیازهای نوین جامعه در مواجهه با پیامدهای حقوقی فناوری‌های پیشرفته باشد و از حقوق زیان‌دیدگان به نحو شایسته حمایت کند.

۱- مفاهیم و مبانی نظری

۱-۱- تعریف و ماهیت هوش مصنوعی در نظام حقوقی

هوش مصنوعی به مجموعه فناوری‌ها و سامانه‌هایی گفته می‌شود که قادرند بدون دخالت مستقیم انسان، داده‌ها را تحلیل کرده، یاد بگیرند و تصمیمات خودکار اتخاذ کنند. این

فناوری با توانایی انجام فعالیت‌های پیچیده، نقش مهمی در تغییر نحوه انجام امور در حوزه‌های مختلف ایفا کرده است. از منظر نظام حقوقی، ظهور هوش مصنوعی چالش‌های جدیدی به‌ویژه در زمینه مسئولیت مدنی به وجود آورده است؛ چراکه تصمیمات و رفتارهای این فناوری، اغلب به طور مستقل و بدون دخالت مستقیم فرد صورت می‌گیرد و این موضوع، انتساب مسئولیت را پیچیده‌تر می‌سازد (گلرسان، ۱۴۰۳: ص ۲۵).

ماهیت هوش مصنوعی در حقوق خصوصی به گونه‌ای است که نمی‌توان آن را صرفاً به عنوان یک ابزار فنی در نظر گرفت؛ بلکه تصمیمات و عملکردهای آن به واسطه استقلال و خودمختاری در اتخاذ تصمیم، اثرات حقوقی مستقلی نیز به همراه دارد. این ویژگی، ضرورت بازنگری و به‌روزرسانی قواعد مسئولیت مدنی را در نظام حقوقی ایران به دنبال داشته است تا بتوان خسارات ناشی از تصمیمات هوش مصنوعی را به درستی شناسایی و جبران کرد. بنابراین، شناخت دقیق ماهیت و کارکردهای هوش مصنوعی برای تطبیق نظام حقوقی با واقعیت‌های نوین فناورانه امری ضروری است.

۱-۲- انواع و حدود کارکردهای هوش مصنوعی در روابط

خصوصی

هوش مصنوعی در روابط خصوصی به شکل‌های مختلفی ظهور یافته و تأثیرات گسترده‌ای بر نحوه شکل‌گیری و اجرای قراردادهای، انجام معاملات و مدیریت دارایی‌ها گذاشته است. یکی از انواع رایج آن، سامانه‌های تصمیم‌گیر خودکار هستند که در زمینه‌هایی مانند تحلیل داده‌های مالی، مدیریت املاک، و خدمات مشاوره‌ای فعالیت می‌کنند و می‌توانند بدون دخالت مستقیم انسان، تصمیماتی را اتخاذ کنند که پیامدهای حقوقی مهمی دارند. همچنین، ربات‌ها و سیستم‌های هوشمند در

بر خطر شده است. نظریه خطر، مسئولیت را صرف نظر از وجود خطا، بر عهده مالک یا بهره‌بردار منع خطر می‌داند و هدف آن جبران خسارات و حفاظت از زیان‌دیدگان است (کریمی، ۱۴۰۱: ص ۱۷).

در سال‌های اخیر، با ورود فناوری‌های پیشرفته و پیچیده به حوزه حقوق، نظریات جدیدی در خصوص مسئولیت مدنی مطرح شده است که سعی در پوشش خلأهای موجود دارند. این نظریات، از جمله مسئولیت ترکیبی یا مسئولیت مبتنی بر پیش‌بینی‌ناپذیری تصمیمات فناوری، به دنبال پاسخگویی به آسیب‌های ناشی از تصمیمات خودکار و سامانه‌های هوشمند هستند. چنین رویکردهایی بر لزوم به‌روزرسانی و توسعه قواعد مسئولیت تأکید دارند تا بتوانند ضمن حفظ عدالت و تعادل بین طرفین، سازوکاری مناسب برای مقابله با پیچیدگی‌های فناوری‌های نوین فراهم آورند.

۲- ارکان تحقق مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات هوش مصنوعی

تحقق مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات هوش مصنوعی، همانند سایر اشکال مسئولیت، نیازمند احراز سه رکن اصلی است؛ یعنی وقوع فعل زیان‌بار، ورود ضرر و وجود رابطه سببیت میان عمل و خسارت. با این حال، ویژگی‌های خاص سامانه‌های هوشمند، احراز این ارکان را با چالش‌های تازه روبه‌رو کرده است. در خصوص فعل زیان‌بار، یکی از مسائل اصلی آن است که تصمیم نهایی توسط یک فناوری اتخاذ می‌شود که خود فاقد شخصیت حقوقی مستقل است. از این رو، باید مشخص شود آیا این تصمیم به تولیدکننده، مالک یا بهره‌بردار فناوری انتساب می‌یابد و به چه میزان هرکدام مسئول شناخته می‌شوند. همچنین، تشخیص تخلف از معیار

حوزه‌هایی مانند قراردادهای الکترونیکی، پیگیری اجرای تعهدات و حتی حل و فصل اختلافات نقش پررنگی ایفا می‌کنند. این گستردگی کارکردها، ضرورت تعیین حدود مسئولیت حقوقی و چارچوب‌های نظارتی دقیق را به همراه دارد (عباسی، ۱۳۹۹: ص ۴۳).

با این حال، علیرغم مزایای فراوان هوش مصنوعی در بهبود کارایی و تسریع فرآیندهای حقوقی، محدودیت‌هایی نیز در کاربرد آن وجود دارد که نباید نادیده گرفته شود. از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به ناتوانی این سامانه‌ها در درک کامل ماهیت حقوقی و انسانی تصمیمات اشاره کرد که ممکن است منجر به بروز خطاها یا بی‌عدالتی در روابط خصوصی شود. علاوه بر این، فقدان شفافیت در عملکرد برخی از فناوری‌های هوشمند، پیچیدگی در تعیین مسئولیت و رعایت اصول اخلاقی را به چالش می‌کشد. بنابراین، شناخت دقیق حوزه‌های کاربرد و محدودیت‌های هوش مصنوعی در روابط خصوصی، برای تدوین قواعد مسئولیت مدنی و تضمین امنیت حقوقی ضروری است.

۱-۳- مبانی نظری مسئولیت مدنی (تقصیر، خطر و نظریات جدید مسئولیت)

مسئولیت مدنی در حقوق خصوصی ایران بر پایه نظریه تقصیر استوار است؛ یعنی شخص مسئول زمانی باید پاسخگویی خسارت وارده باشد که فعل زیان‌بار او ناشی از تخلف از وظیفه مراقبت یا بی‌احتیاطی باشد. این اصل موجب می‌شود که اثبات خطا و رابطه سببیت میان عمل و خسارت، پیش شرط تحقق مسئولیت باشد. با این حال، در برخی موارد، امکان انتساب تقصیر به زیان‌رساننده وجود ندارد یا دشوار است، که این موضوع موجب پیدایش نظریه مسئولیت مبتنی

خسارت را رعایت نکرده باشد، می‌توان او را مسئول شناخت. به همین دلیل، در تحلیل حقوقی، توجه به سلسله عوامل و اشخاصی که در فرآیند طراحی و استفاده از سامانه دخیل بوده‌اند، اهمیت اساسی دارد (ابراهیم زاده و حجازی، ۱۴۰۴:ص ۱۴).

از منظر ارزیابی حدود مسئولیت، باید میان مسئولیت مبتنی بر تقصیر و مسئولیت مبتنی بر خطر تفکیک قائل شد. در بسیاری از کاربردهای هوش مصنوعی، به دلیل ماهیت پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی تصمیمات، احراز تقصیر مشخص دشوار است و این امر موجب شده برخی نظام‌های حقوقی به سمت پذیرش مسئولیت مبتنی بر خطر یا نوعی مسئولیت عینی حرکت کنند. در این رویکرد، صرف بهره‌برداری از فناوری پیشرفته، مسئولیت جبران خسارت را برای بهره‌بردار یا تولیدکننده ایجاد می‌کند؛ مگر آن‌که بتوانند ثابت کنند تمام اقدامات احتیاطی لازم را انجام داده‌اند. چنین گرایشی به‌ویژه در حوزه‌هایی که ارتباط مستقیم با ایمنی و سلامت اشخاص دارند، قابل توجه است و می‌تواند الگویی برای توسعه قواعد مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران باشد.

۲-۲- شرایط و اقسام ضرر قابل مطالبه ناشی از کارکرد هوش مصنوعی

در نظام حقوقی، جبران خسارت مستلزم اثبات ورود ضرر مسلم و قابل انتساب به عمل زیان‌بار است. در زمینه کارکرد هوش مصنوعی، ضرر می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد و شرایط مطالبه آن تابع همان قواعد کلی مسئولیت مدنی است. نخستین شرط، تحقق واقعی ضرر است؛ به این معنا که زیان دیده باید ثابت کند خسارت وارده جنبه فرضی یا انتزاعی ندارد و به‌طور عینی تحقق یافته است. شرط دوم، مشروعیت

متعارف احتیاط در شرایطی که تصمیم‌گیری مبتنی بر پردازش گسترده داده و فرآیندهای پیچیده نرم‌افزاری است، دشوارتر از وضعیت‌های سنتی خواهد بود (محمدی و علی‌پور، ۱۴۰۰:ص ۱۲۷).

رکن دوم، یعنی ورود ضرر، در این زمینه تفاوتی با سایر موارد ندارد و زیان دیده می‌تواند جبران خسارت مادی یا معنوی را مطالبه کند. اما رکن رابطه سببیت، بیش از سایر ارکان با ابهام مواجه است؛ زیرا فرآیند تصمیم‌گیری هوش مصنوعی اغلب غیرشفاف و پیش‌بینی‌ناپذیر است و اثبات این‌که تصمیم فناوری به‌طور مستقیم موجب ورود خسارت شده، برای زیان دیده دشوار است. این وضعیت باعث شده برخی حقوقدانان، لزوم به‌کارگیری معیارهای ساده‌تر یا فرض قانونی رابطه سببیت را مطرح کنند تا حمایت مؤثرتری از حقوق زیان‌دیدگان صورت گیرد و خلأ ناشی از پیچیدگی فناوری کاهش یابد.

۱-۲- قابلیت انتساب تقصیر یا خطا به تصمیمات هوش مصنوعی و ارزیابی حدود مسئولیت اشخاص مرتبط

یکی از مهم‌ترین مسائل در حوزه مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات هوش مصنوعی، قابلیت انتساب تقصیر یا خطا به این سامانه‌هاست. از آنجا که هوش مصنوعی فاقد اراده و شخصیت حقوقی مستقل است، نمی‌توان تصمیمات آن را به‌طور مستقیم به خود سامانه نسبت داد. در این وضعیت، انتساب خطا به اشخاص مرتبط همچون تولیدکننده، برنامه‌نویس، مالک یا بهره‌بردار مطرح می‌شود. معیار اصلی در این زمینه، بررسی میزان نظارت، کنترل و پیش‌بینی‌پذیری عملکرد سامانه است. اگر شخصی در انتخاب یا بهره‌برداری از فناوری کوتاهی کرده یا تدابیر لازم برای پیشگیری از بروز

فناوری‌های خودمختار و هوش مصنوعی وجود نداشته است. این قوانین، مسئولیت مدنی را عمدتاً بر مبنای رفتار انسان و تقصیر شخص زیان‌زننده استوار کرده‌اند. به همین دلیل، قواعد کلاسیک مسئولیت مانند شرط انتساب خطا، معیار تقصیر متعارف و لزوم احراز رابطه مستقیم سببیت، در بسیاری از موارد پاسخگوی وضعیت‌های نوپدید که در اثر تصمیمات پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی سامانه‌های هوشمند ایجاد می‌شود، نیستند. یکی از خلأهای مهم این مقررات، نبود چارچوب روشن برای تعیین مسئولیت اشخاصی است که به نحوی در طراحی، تولید یا بهره‌برداری از این فناوری‌ها دخیل‌اند و گاه امکان تفکیک سهم تقصیر هر یک وجود ندارد (طباطبائی نژاد، ۱۳۹۲: ص ۸۹).

از سوی دیگر، مقررات فعلی فاقد قواعد ویژه‌ای برای حمایت مؤثر از زیان‌دیدگان در مقابل آسیب‌های ناشی از تصمیم‌گیری‌های خودکار و پردازش گسترده داده‌ها توسط هوش مصنوعی هستند. به عنوان نمونه، هیچ قاعده مشخصی در خصوص جابه‌جایی بار اثبات یا فرض قانونی رابطه سببیت در این زمینه پیش‌بینی نشده است و همین امر، فرآیند اثبات دعوا را به شدت دشوار و پرهزینه می‌سازد. علاوه بر این، مقررات موجود ابزارهای کافی برای شفاف‌سازی عملکرد فناوری‌های پیشرفته و الزام تولیدکنندگان به افشای اطلاعات فنی لازم را در اختیار محاکم قرار نمی‌دهد. این کاستی‌ها ضرورت بازنگری و توسعه مقررات مسئولیت مدنی متناسب با اقتضانات فناوری‌های نوین را به روشنی آشکار می‌سازد تا ضمن حمایت از حقوق زیان‌دیدگان، زمینه استفاده مسئولانه و ایمن از هوش مصنوعی فراهم شود.

ضرر است؛ یعنی خسارتی که برخلاف قانون یا نظم عمومی نباشد. همچنین وجود رابطه سببیت میان تصمیم یا رفتار سامانه هوش مصنوعی و ضرر ایجاد شده، رکن اساسی امکان مطالبه خسارت محسوب می‌شود. در این میان، دشواری‌های فنی در اثبات نحوه بروز خسارت یا سهم خطای انسانی در فرآیند تصمیم‌گیری، می‌تواند اثبات این ارکان را پیچیده‌تر سازد (فدایی و طاهرخانی، ۱۴۰۳: ص ۱۶).

اقسام ضرر قابل مطالبه ناشی از عملکرد هوش مصنوعی را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد: ضررهای مادی و ضررهای معنوی. خسارات مادی شامل هرگونه زیان مالی مستقیم، مانند خسارت به اموال یا کاهش ارزش دارایی‌ها بر اثر تصمیمات نادرست سامانه هوشمند است. در مقابل، ضررهای معنوی به آسیب‌های غیرمالی مانند لطمه به حیثیت، سلب آسایش روحی یا نقض حریم خصوصی اختصاص دارد. نظام حقوقی ایران، در اصل امکان مطالبه هر دو نوع خسارت را پیش‌بینی کرده است، مشروط بر آنکه زیان‌دیده بتواند وقوع ضرر و رابطه سببیت را اثبات کند. توسعه این فناوری‌ها ایجاب می‌کند دادگاه‌ها در رسیدگی به دعاوی مسئولیت مدنی، با تفسیر منطبق با مقتضیات نوین، از حقوق زیان‌دیدگان در برابر آثار پیش‌بینی‌ناپذیر سامانه‌های هوشمند حمایت کنند.

۳- چالش‌ها و ظرفیت‌های نظام حقوقی ایران

۳-۱- کاستی‌ها و خلأهای مقررات موجود در قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی

قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی ایران در زمانی تدوین شده‌اند که هیچ‌گونه پیش‌بینی نسبت به ظهور

اتلاف ننموده باشد.» همین قاعده تسبیب می‌تواند مبنایی برای مسئولیت تولیدکنندگان یا بهره‌برداران سامانه‌های هوش مصنوعی باشد؛ به‌ویژه در مواردی که کوتاهی در طراحی یا نظارت بر عملکرد این فناوری نقش تعیین‌کننده در ایجاد خسارت ایفا کرده است. بدین ترتیب، هرچند تصمیم‌نهایی توسط سیستم خودمختار اتخاذ می‌شود، اما رفتار اشخاصی که شرایط و مقدمات این تصمیم‌گیری را فراهم کرده‌اند می‌تواند سبب عرفی تلقی شود (رجبی، ۱۳۹۸: ص ۴۵۳).

با این حال، استفاده از قواعد عام ضمان قهری و تسبیب نیز با محدودیت‌هایی روبه‌روست که نباید نادیده گرفته شود. نخست آن‌که اثبات رابطه سببیت میان عمل اشخاص و تصمیم‌نهایی هوش مصنوعی به دلیل پیچیدگی فرآیندها بسیار دشوار است و همین امر می‌تواند کارآمدی این قواعد را کاهش دهد. دوم آن‌که قواعد تسبیب در فقه امامیه معمولاً مبتنی بر قابلیت پیش‌بینی و تسلط عامل بر سبب است و این معیار در مواردی که سامانه هوش مصنوعی به‌صورت خودمختار و غیرقابل پیش‌بینی عمل می‌کند، به‌طور کامل قابل انطباق نیست. بنابراین هرچند ظرفیت‌های قواعد عام مسئولیت قهری در این حوزه قابل توجه است، اما به نظر می‌رسد توسعه مقررات تکمیلی یا ایجاد presumptions قانونی برای حمایت از زیان‌دیدگان ضروری خواهد بود تا این قواعد بتوانند پاسخگوی مقتضیات جدید فناوری‌های هوشمند باشند.

۴- راهکارها و پیشنهادها

۴-۱- ضرورت تدوین مقررات خاص مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات هوش مصنوعی

۲-۳- موانع فقهی و حقوقی در انتساب مسئولیت به اشخاص حقیقی یا حقوقی

در نظام حقوقی و فقهی ایران، یکی از موانع اساسی در انتساب مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات هوش مصنوعی به اشخاص حقیقی یا حقوقی، فقدان اراده و قصد در فعل زیان‌بار است؛ چراکه بسیاری از قواعد فقهی و مواد قانونی، تحقق ضمان را مبتنی بر تقصیر یا تعدی و تفریط می‌دانند و این مفاهیم ناظر بر رفتار انسانی با قابلیت ارزیابی ارادی و اخلاقی‌اند. از سوی دیگر، چالش در تعیین دقیق رابطه سببیت بین عملکرد خودکار سامانه و زیان ایجاد شده، موجب تردید در انتساب عرفی و حقوقی مسئولیت می‌شود. علاوه بر این، در فقه امامیه اصل شخصی بودن مسئولیت و ضرورت احراز مباشرت یا تسبیب معتبر، مانع از توسعه ساده‌انگارانه مسئولیت به سمت فرض‌های موسع می‌شود. این موانع باعث شده است که حقوق‌دانان و فقها در پذیرش مسئولیت عینی یا خطر در این حوزه با احتیاط برخورد کنند و همچنان بر لزوم انطباق قواعد جدید با مبانی شرعی و اصول سنتی مسئولیت تأکید نمایند.

۳-۳- ظرفیت استفاده از قواعد عام ضمان قهری و تسبیب

در جبران خسارت

قواعد عام ضمان قهری که در قانون مدنی و فقه امامیه مورد پذیرش قرار گرفته‌اند، ظرفیت مهمی در جبران خسارات ناشی از کارکرد هوش مصنوعی دارند، زیرا اصولاً هر کس سبب ورود زیان به دیگری شود، ضامن جبران آن خواهد بود؛ هرچند رابطه مستقیم و بی‌واسطه میان فعل و ضرر برقرار نباشد. ماده ۳۳۱ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد «هر کس سبب تلف مالی شود باید جبران کند اگر چه مباشرت در

را پیش‌بینی کنند تا تعادل مناسبی بین منافع عمومی و خصوصی برقرار گردد.

۴-۲- ارتقای فرهنگ حقوقی و آگاهی کاربران نسبت به آثار و مسئولیت‌های ناشی از استفاده

یکی از ابعاد مهم حمایت از حقوق اشخاص و پیشگیری از بروز اختلافات ناشی از کارکرد هوش مصنوعی، ارتقای فرهنگ حقوقی و افزایش آگاهی کاربران نسبت به آثار، پیامدها و مسئولیت‌های استفاده از این فناوری‌ها است. بسیاری از کاربران حقیقی و حقوقی بدون آشنایی کافی با ماهیت تصمیم‌گیری‌های خودمختار و خطرات احتمالی ناشی از این خطاهای الگوریتمی یا نقص داده‌ها، اقدام به بهره‌برداری از این سامانه‌ها می‌کنند. این فقدان آگاهی موجب می‌شود هنگام بروز خسارت، امکان شناسایی مسئولیت‌ها، ارائه دلایل و احقاق حقوق با چالش‌های جدی روبه‌رو گردد. آگاهی‌بخشی مؤثر ایجاب می‌کند نهادهای حاکمیتی، مراکز تخصصی و صنوف حرفه‌ای، دستورالعمل‌ها و راهنماهای جامع حقوقی را در اختیار کاربران قرار دهند تا از حدود تکالیف و حقوق خود در زمینه استفاده ایمن از هوش مصنوعی مطلع شوند.

از سوی دیگر، ارتقای سطح شناخت عمومی نسبت به مسئولیت‌های قانونی و قراردادی مرتبط با کارکرد سامانه‌های هوشمند، می‌تواند به کاهش دعاوی و تنش‌های حقوقی کمک کند و زمینه‌ساز بهره‌گیری مسئولانه‌تر از این فناوری شود. آموزش کاربران درباره لزوم رعایت استانداردها، ضرورت پابندی به شرایط استفاده و آگاهی از عواقب بی‌احتیاطی یا اعتماد بی‌قیدوشرط به خروجی‌های هوش مصنوعی، نقشی تعیین‌کننده در پیشگیری از خسارات دارد. همچنین شفاف‌سازی مقررات و اطلاع‌رسانی دقیق نسبت به حقوق

تحوالات گسترده در توسعه و استفاده از سامانه‌های هوش مصنوعی در حوزه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی، چالش‌های نوینی را در زمینه مسئولیت مدنی پدید آورده است. قواعد سنتی مسئولیت، اعم از مبتنی بر تقصیر یا تسبیب، عمدتاً بر مبنای رفتار انسانی و امکان پیش‌بینی نتایج آن طراحی شده‌اند و در مواجهه با تصمیمات خودمختار و الگوریتم‌های غیرشفاف، کارآمدی محدودی دارند. برای نمونه، اثبات رابطه سببیت و انتساب خطا به تولیدکننده یا بهره‌بردار، در بسیاری از دعاوی مربوط به عملکرد هوش مصنوعی، به دلیل ماهیت پیچیده و فنی این فناوری، دشوار و گاه ناممکن است. این خلأها سبب شده است که در سطح بین‌المللی نیز ایده تدوین مقررات خاص و نظام‌های مسئولیت نوین، به عنوان یکی از اولویت‌های قانون‌گذاری مطرح شود تا بتوان پاسخ مناسبی به آسیب‌های ناشی از فناوری‌های خودمختار ارائه داد.

از منظر نظام حقوقی ایران نیز، فقدان مقررات اختصاصی موجب ناامنی حقوقی هم برای زیان‌دیدگان و هم برای توسعه‌دهندگان و بهره‌برداران این فناوری‌ها شده است. در غیاب قواعد روشن، محاکم ناگزیرند با تفسیر موسع مقررات عمومی مسئولیت مدنی به این موارد رسیدگی کنند که این امر همواره با خطر تشتت رویه و کاهش پیش‌بینی‌پذیری همراه است. تدوین مقررات خاص، افزون بر حمایت مؤثر از حقوق اشخاص زیان‌دیده، می‌تواند موجبات تشویق نوآوری و استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی را فراهم کند. این مقررات باید به گونه‌ای طراحی شوند که ضمن تعیین حدود و مصادیق مسئولیت اشخاص ذی‌نفع، راهکارهایی نظیر جابه‌جایی بار اثبات، فرض رابطه سببیت یا نظام‌های جبرانی صندوق‌محور

می‌تواند راهکاری مؤثر برای تأمین عدالت جبران خسارت در این زمینه باشد.

از سوی دیگر، خلأهای مقررات موجود در قوانین فعلی موجب شده که قضات و حقوقدانان در موارد مختلف ناچار به تفسیرهای گسترده و گاه متناقض از مقررات شوند که این امر خود به عدم پیش‌بینی‌پذیری و نااطمینانی در حقوق مدنی دامن می‌زند. بنابراین، تدوین مقررات اختصاصی و دقیق با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص تصمیم‌گیری خودمختار، ضروری است تا ضمن تعیین حدود مسئولیت اشخاص ذی‌نفع، حقوق زیان‌دیدگان به نحو مؤثری تضمین شود. این مقررات باید تعادلی میان حمایت از نوآوری و ضرورت جبران خسارت برقرار نمایند.

در نهایت، ارتقای فرهنگ حقوقی و آگاهی کاربران از مسئولیت‌ها و پیامدهای ناشی از بهره‌برداری از فناوری‌های هوشمند، نقش کلیدی در پیشگیری از بروز اختلافات و تسهیل فرآیندهای قضایی دارد. آموزش و اطلاع‌رسانی مناسب می‌تواند موجب تقلیل دعاوی و حمایت از حقوق طرفین شود و بستر استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی را فراهم آورد. بدین ترتیب، همراه با اصلاحات قانونی، تقویت آگاهی حقوقی جامعه به‌عنوان رکن مهمی در مواجهه با چالش‌های مسئولیت مدنی هوشمند شناخته می‌شود.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.

جبران خسارت، موجب می‌شود کاربران در مواجهه با آسیب‌های احتمالی، مسیرهای حقوقی صحیح را بشناسند و از طرح دعاوی غیرضروری یا توقعات ناصواب پرهیز کنند. در نهایت، ارتقای فرهنگ حقوقی در این حوزه، لازمه توسعه پایدار و استفاده متوازن از فرصت‌ها و مخاطرات فناوری‌های نوین است.

نتیجه‌گیری

با گسترش روزافزون فناوری‌های هوشمند و سامانه‌های تصمیم‌گیر خودمختار، نظام‌های حقوقی با چالش‌های بی‌سابقه‌ای در زمینه مسئولیت مدنی مواجه شده‌اند. قواعد سنتی مسئولیت که بر مبنای تقصیر و رفتار انسانی استوارند، در مواجهه با پیچیدگی‌های فنی و ماهیت غیرقابل پیش‌بینی تصمیمات هوشمند، ناکارآمد به نظر می‌رسند. این وضعیت لزوم بازنگری در مفاهیم و ارکان مسئولیت مدنی و همچنین توسعه چارچوب‌های قانونی منطبق با مقتضیات فناوری‌های نوین را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. عدم وجود قواعد خاص، علاوه بر ایجاد ناامنی حقوقی، می‌تواند حقوق زیان‌دیدگان را در عمل تضعیف نماید. یکی از مشکلات اصلی در این حوزه، دشواری اثبات رابطه سببیت میان تصمیمات هوشمند و ورود خسارت است که به‌دلیل پیچیدگی فرآیندهای الگوریتمی و فقدان شفافیت فنی به وجود آمده است. این مسأله به‌خصوص در شرایطی اهمیت دارد که اشخاص مختلفی در طراحی، تولید و بهره‌برداری از فناوری دخیل‌اند و تفکیک سهم مسئولیت آنان با مشکلات فراوانی همراه است. به همین جهت، به‌کارگیری قواعد عام ضمان قهری و تسبیب، همراه با ایجاد فرض‌های قانونی و نظام‌های جبران خسارت جایگزین،

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

کتاب‌ها

گلرسان، مهدی (۱۴۰۳)، تعهدات قراردادی در هوش مصنوعی و قراردادهای هوشمند، چاپ اول، انتشارات هورین

عباسی، محمود (۱۳۹۹)، هوش مصنوعی و حقوق: چالش‌ها و فرصت‌ها، چاپ اول، تهران: نشر میزان

مقالات

کریمی، مسعود (۱۴۰۱)، بررسی مبانی مسئولیت مدنی در فقه و حقوق، یازدهمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در فقه، حقوق و علوم انسانی، صص ۳۰-۱

محمدی، سمانه؛ علی‌پور، سحر (۱۴۰۰)، بررسی مبانی و ارکان مسئولیت مدنی موتورهای جست و جوگر در سوء استفاده از داده‌های کاربران، حقوق فناوری‌های نوین، دوره ۲، شماره ۴، صص ۱۳۱-۱۰۷

ابراهیم زاده، صابر، حجازی، نرگس (۱۴۰۴)، بازتعریف مسئولیت مدنی در عصر هوش مصنوعی؛ بحران در عنصر کلاسیک خطا، تقصیر و اراده در حقوق مدنی ایالات متحده، بیستمین کنفرانس ملی حقوق، روانشناسی و مشاوره علوم اجتماعی و انسانی، صص ۲۵-۱

فدایی، حسن؛ طاهرخانی، مریم (۱۴۰۳)، بایسته‌های مسئولیت مدنی ناشی از ساخت و ارائه هوش مصنوعی، ششمین کنفرانس بین‌المللی و هفتمین صص ۱۱۲-۸۹

رجبی، عبدالله (۱۳۹۸)، ضمان در هوش مصنوعی، مجله حقوق تطبیقی، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۴۶۶-۴۴۹